

واقعیت‌های جاری در مسائل اوراسیا از دیدگاه یک تحلیلگر برزیلی

ایران «فشار حداکثری» را در هم شکسته است

راضیه خوئینی/ بپه اسکوبار، روزنامه‌نگار مشهور و تحلیلگر ژئوپلیتیک برزیلی با انتشار مقاله‌ای در سایت تحلیلی خبری «ژئوپلیتیکا» به تحلیل وقایع اخیر در آسیا پرداخت و اتحاد چهار کشور روسیه، ایران، چین و هند را امری اجتناب ناپذیر و بسیار حائز اهمیت دانسته است. در این مطلب بخش‌هایی از تحلیل او را می‌خوانید:

جنوب شرقی آسیا، یک هفته تمام در مرکز روابط بین‌الملل قرار داشت و شاهد برگزاری سه نشست متوالی مهم بود؛ از جمله اجلاس سران اتحادیه کشورهای جنوب شرق آسیا «آسه‌ان» در شهر پنوم‌پن، اجلاس گروه بیست «ج۲۰» در بالی و اجلاس همکاری اقتصادی آسیا و اقیانوسیه «آپک» در شهر بانکوک. هجده کشور که حدود نیمی از اقتصاد جهان را در دست دارند، در اولین اجلاس سران «آسه‌ان» پس از پاندمی کووید ۱۹ در کامبوج ۱۸ کشور حضور دارند؛ ۱۰ کشور عضو «آسه‌ان» به همراه هشت کشور ژاپن، کره جنوبی، چین، هند، ایالات متحده، روسیه، استرالیا و نیوزیلند.

هون سن، نخست‌وزیر کامبوج و رئیس اجلاس، با آن نزاکت معمول آسیایی، گفت که جلسه عمومی تا حدودی طوفانی بود، اما جو متشنج نشد و «رهبران با پختگی صحبت کردند، هیچ‌کس جلسه را ترک نکرد.»

سرگئی لاوروف، وزیر خارجه روسیه در پایان اجلاس اظهاراتی را مطرح کرد که واقعا معنادار بود. لاوروف ضمن تمجید از ساختار فرایکر، باز و امنیت و همکاری و بنا بر آن، تأکید کرد که چگونه اروپا را بر تو می‌خواهند منطقه را به منظور مهار منافع روسیه و چین در اقیانوس آرام و هند نظامی کنند.

لاوروف با اشاره به اینکه «جلوه‌ای از این سیاست، روشی است که ائتلاف آکوس (AUKUS) به رویارویی آشکارا در دریای چین جنوبی می‌پردازد»، بیان کرد: غرب از طریق اتحاد نظامی ناتو، «آسه‌ان» (ASEAN) را فقط در حد یک اسم می‌پذیرد و در عین حال دستور کاری کاملاً «گیج‌کننده» را ترویج می‌دهد. با این حال واضح است که چگونه ناتو در چندین نوبت به سوی مراهز روسیه حرکت کرده و اکنون در نشست مادرید اعلام کرده که مسئولیت (پیامدهای) جهانی آن را بر عهده گرفته است.

لاوروف تأکید کرد: ما به این نتیجه می‌رسیم که ناتو خط دفاعی خود را به دریای چین جنوبی منتقل می‌کند و پکن نیز همین ارزیابی را دارد. در اینجا، به طور خلاصه، پرده از راز ژئوپلیتیک فعلی برداشته می‌شود. اولویت شماره یک واشنگتن مهار چین است که این

امر مستلزم جلوگیری از نزدیک‌تر شدن اتحادیه اروپا به موتورهای اصلی اوراسیا؛ (یعنی چین، روسیه و ایران) است که متعهد به ساختن بزرگترین محیط تجارت آزاد و اتصال به جهان شده‌اند. علاوه بر جنگ هیبریدی چندین دهه‌ای علیه ایران، نظامی‌سازی بی‌پایان در سیاه‌چاله اوکراین نیز بخشی از مراحل اولیه نبرد است.

از طرفی ایران دیگر نمی‌تواند یک تأمین‌کننده انرژی ارزان و باکیفیت برای اتحادیه اروپا باشد. در عین حال، روسیه باید با اتحادیه اروپا قطع رابطه کند و گام بعدی قطع ارتباط اجباری اروپا با چین است. همه اینها در وحشی‌ترین و تحریف‌شده‌ترین رویاهای اشتراوس-نئومحافظه‌کاران خلاصه شده است؛ جسارت بخشیدن به تایوان به منظور حمله به چین، ولی ابتدا باید روسیه را از طریق ابزارسازی و تخریب از طریق اوکراین تضعیف کرد و به سادگی طی این سناریو اروپا دیگر آژانسی نخواهد داشت.

■ پوتین، رئیسی و مسیر اردوغان

واقعیت جاری در گره‌های کلیدی اوراسیا تصویری کاملاً متفاوت را به نمایش می‌گذارد. برای مثال دیدار دوستانه نیکولای پاتروشف، مقام ارشد امنیتی روسیه و علی شمخانی، همتای ایرانی او در تهران را در نظر بگیرید. آنها نه تنها در مورد مسائل امنیتی، بلکه درباره تقویت روابط تجاری جدی مانند تجارت توریو شارژ تبادل نظر کردند. شرکت ملی نفت ایران نیز بزودی قراردادی به ارزش ۲۰ میلیارد دلار با گازپروم امضا خواهد کرد که ضمن دور زدن تحریم‌های آمریکا، شامل توسعه دو میدان گازی و شش میدان نفتی، تجارت گاز طبیعی و فرآورده‌های نفتی، پروژه‌های LNG و ساخت خطوط لوله گاز می‌شود.

به گفته کرملین، بلافاصله پس از دیدار پاتروشف و شمخانی، ولادیمیر پوتین از آیت‌الله رئیسی درخواست کرد تا «تعامل» در سیاست، تجارت و اقتصاد، از جمله حمل و نقل و لجستیک» را حفظ کنند. پاتروشف نیز با حمایت از جمهوری اسلامی، ماجراجویی‌های اخیر «انقلاب‌های رنگی» در ایران را بخشی از جنگ هیبریدی بی‌پایان آمریکا علیه ایران دانست. ایران و اتحادیه اقتصادی اوراسیا (EAEU) یا (EEU) در کنار امضای قراردادهای مبادله با نفت روسیه در حال مذاکره بر سر توافقنامه تجارت آزاد (FTA) هستند. به‌زودی، SWIFT به‌طور کامل دور زده می‌شود و «جنوب جهان» تنها به تماشای می‌نشیند. همزمان رجب طیب اردوغان که به تازگی از نشست سران کشورهای ترک در



نظامی‌سازی تحریم‌ها از سوی جبهه با پوتین، تأکید کرد که ایالات متحده و جبهه غربی «تقریباً بدون محدودیت» به روسیه حمله می‌کنند. اردوغان تصریح کرد که روسیه یک کشور «قدرتمند» است و «مقاومت بزرگ» آن را ستود.

اظهارات اردوغان بی‌پاسخ نماند و دقیقاً ۲۴ ساعت بعد حمله‌ای تروریستی در محل پرازدحام عابران پیاده در خیابان استقلال استانبول رخ داد. سرویس‌های اطلاعاتی ترکیه مستقیماً سر اصل مطلب رفتند و تأکید کردند که کوبانی، واقع در شمال سوریه طراح اصلی این حمله بوده است؛ منطقه‌ای که عمدتاً تحت سلطه آمریکا است. یک اقدام جنگی واقعی که ممکن است منجر به عواقب جدی، از جمله بازنگری عمیق درباره حضور ترکیه در ناتو شود.

■ استراتژی چندبندی ایران

اتحاد استراتژیک روسیه و ایران عملاً به عنوان امری اجتناب‌ناپذیر رخ خواهد داد. با رجوع به تاریخ باید یاد آور شد که اتحاد جماهیر شوروی سابق نیز پس از محاصره ایران از سوی آمریکا و اروپا به ایران کمک کرد. پوتین و آیت‌الله رئیسی قطعاً تمامی مسائل را به سطحی بالاتر برده و استراتژی مشترکی برای شکست

■ استراتژی چندبندی ایران

اتحاد استراتژیک روسیه و ایران عملاً به عنوان امری اجتناب‌ناپذیر رخ خواهد داد. با رجوع به تاریخ باید یاد آور شد که اتحاد جماهیر شوروی سابق نیز پس از محاصره ایران از سوی آمریکا و اروپا به ایران کمک کرد. پوتین و آیت‌الله رئیسی قطعاً تمامی مسائل را به سطحی بالاتر برده و استراتژی مشترکی برای شکست

آمریکا چگونه سر نزدیک‌ترین متحدان خود را زیر آب می‌کند. اکنون مقایسه کنید که شی جین‌پینگ، رئیس‌جمهور چین در سمرقند چطور چین و روسیه را با هم به عنوان اصلی‌ترین «قدرت‌های جهانی مسئول» معرفی می‌کند؛ کسی که مصمم است از ظهور جهان چند قطبی اطمینان حاصل کند. سمرقند همچنین بر شراکت استراتژیک سیاسی روسیه و هند تأکید کرد (آنچه که نارندرا مودی، نخست‌وزیر هند «دوستی ناگسنتی» خواند).

دیدار اخیر لاوروف و سوبرهمانیام جایشانکار همتای هندی او در مسکو مهر تأییدی بر این موضع است. وزیر خارجه روسیه از مشارکت راهبردی در همه زمینه‌های حیاتی از جمله سیاست، تجارت و اقتصاد، سرمایه‌گذاری و فناوری و «اقدامات هماهنگ شده» در شورای امنیت سازمان ملل، بریکس، سازمان همکاری شانگهای و گروه ۲۰ تمجید کرد. لاوروف با اشاره به اینکه «بیش از دوازده کشور» از جمله ایران برای عضویت در سازمان بریکس درخواست داده‌اند، گفت: «اما انتظار داریم کار هماهنگ کردن معیارها و اصولی که باید زیربنای گسترش بریکس باشد، زمان زیادی نگیرد. اما ابتدا، پنج عضو باید پیامدهای تحولات و توسعه BRICS و پیوستن اعضای جدید را مورد تحلیل قرار دهند.»

اما واکنش اتحادیه اروپا به این تحولات قابل توجه است؛ پیشنهاد بسته تحریمی جدید علیه ایران، هدف قرار دادن مقامات و نهادهای «مرتبط با امور رویدادهای مهم باید به نقش غالب اوپک پلاس، توسعه بریکس پلاس، یوپی‌ای قیمت‌گذاری تجارت اوراسیا، بیمه، امنیت، سرمایه‌گذاری بر اساس روبل، یوان و ریال نیز اشاره کرد.

همچنین تهران دیگر به تعلل دسته‌جمعی بی‌پایان غرب نسبت به توافق هسته‌ای (برجام) اهمیتی نمی‌دهد چرا که اکنون تعمیق روابط با «ریکس از گروه بریکس» شامل روسیه، هند، چین و آفریقای جنوبی» برایش حائز اهمیت است.

تهران از امضای پیش‌نویس تقلبی توافق هسته‌ای با اتحادیه اروپا در وین امتناع ورزید. بروکسل خشمگین بود، چرا که نفت ایران، اروپا را «نجات نخواهد داد» و جایگزینی نفت روسیه با قیمتی دیوانه‌کننده به‌زودی اعمال خواهد شد. خشم واشنگتن نیز برانگیخته شد، چرا که روی تنش‌های داخلی برای ایجاد شکاف در اوپک شرط بندی کرده بود.

■ صف کشورها برای پیوستن به بریکس

در نشست سران سازمان همکاری شانگهای (SCO) در سمرقند که سی‌تامبر گذشته برگزار شد، بر همگان عیان شد که

چند نکته درباره سفر رئیس‌جمهور چین به عربستان

اول اینکه روابط کشورها با یکدیگر در مقیاس کلان باید مورد ارزیابی قرار بگیرد، مثلاً روسیه حملات ایران به عراق را محکوم می‌کند، با ایران در جنگ اوکراین الحاق مناطق جداشده از اوکراین و الحاق آن به روسیه را نپذیرفت، اما هیچ‌یک از این کنشگری‌ها منجر به پایان روابط راهبردی این دو کشور نشده و هرچه جلوتر برویم این روابط راهبردی عمیق‌تر می‌شود. دوم اینکه چینی‌ها بخوبی می‌دانند که در مسیر دگرگونی نظم جهانی چالش‌های مختلفی وجود دارد که همسویی و همگرایی شرکای راهبردی خود در بلوک شرق یعنی روسیه و ایران را می‌طلبد، بنابراین هرگز نقد را با نسبه معاوضه نخواهد کرد.

اتفاقات بزرگی که در جهان شاهد آن هستیم این نکته را به ما یادآوری می‌کند که کشورهای قدرتمند و تأثیرگذار جهان هرگز دست از شرکای راهبردی خود بر نمی‌دارند. چینی‌ها در مسیر کردار شرق به غرب، تنها از راه ایران عبور خواهند کرد. این یعنی چینی‌ها در سطح کلان هرگز به دنبال تغییر راهبرد خود نسبت به ایران نیستند.

سوم اینکه هر کشوری این حق را دارد که متناسب با منافع راهبردی خود با سایر کشورها ارتباط برقرار کند، چین نیز از این قاعده مستثنی نیست، چینی‌ها در راه‌اندازی روابط راهبردی با عربستان درصدد تضعیف رقیب سنتی خود یعنی آمریکا برآمده‌اند نه ایران، البته سعودی‌ها و رسانه‌های آنها سفر رئیس‌جمهور چین را در ابعاد دیگری وارد کرده‌اند و آن را برای تضعیف ایران مصادره می‌کنند.

نکته پایانی اینکه مقامات کشور باید متناسب با سطح اظهارات چینی‌ها موضعگیری کنند؛ اظهاراتی که فاقد ضمانت اجرایی است نباید روابط راهبردی را تحت الشعاع قرار دهد.

ایران رأی منفی داد. چین شریک راهبردی ایران است. کشوری که در بنبوحه تحریم‌ها به خرید نفت از ایران ادامه داد و در دوران پاندمی کرونا با کمک‌های فنی خود، در کنار ایران ایستاد. چین بهتر از هر موجودیت سیاسی دیگری می‌داند که ظرفیت ژئوپلیتیکی ایران قابل جایگزینی با هیچ کشوری در منطقه نیست.

گفت‌وگوهای امنیتی ایران و عربستان دانست و این موضوع در کنار حضور اخیر رئیس‌جمهور چین در ریاض دارای اهمیت است. برخی تحلیل‌ها به اشتباه سوء برداشت‌هایی از این همراهی داشتند و آن را نوعی اعلام موضع مشترک در قبال ایران تلقی کردند؛ در حالی که چین به قطعنامه اخیر حقوق بشر مجمع عمومی سازمان ملل علیه

کاخ سفید تشدید شد. از سوی دیگر، باید توجه داشت که اعلام مواضع مثبت بن‌فرحان، وزیر مخاطب منطقه‌ای داشته باشد، پیامی بین‌المللی است، چرا که بسیاری از کارشناسان افزایش حضور چین در غرب آسیا و خلیج فارس را، پیامد مستقیم تیرگی روابط عربستان سعودی و آمریکا می‌دانند که از زمان حضور بایدن در

چینی‌ها که یک دوره رکود اقتصادی پیرامون پاندمی کرونا را پشت سر گذاشته‌اند، علاقه‌مندند با سرمایه‌گذاری بیشتر در حوزه‌های جدید، مسیر و هدف برنامه‌ریزی شده بلندمدت و بین‌المللی اقتصادی خود را که دچار وقفه‌های کوتاه شده است سریع‌تر به پیش ببرند

چینی‌ها که یک دوره رکود اقتصادی پیرامون پاندمی کرونا را پشت سر گذاشته‌اند، علاقه‌مندند با سرمایه‌گذاری بیشتر در حوزه‌های جدید، مسیر و هدف برنامه‌ریزی شده بلندمدت و بین‌المللی اقتصادی خود را که دچار وقفه‌های کوتاه شده است سریع‌تر به پیش ببرند



Getty Images

تحلیلی پیرامون روابط چین و عربستان سعودی

ظرفیت ژئوپلیتیکی ایران در منطقه جایگزین ندارد

سبحان محمدی
کارشناس مسائل بین‌الملل

انرژی و سرمایه‌گذاری، مهم‌ترین اهدافی است که چین در غرب آسیا به دنبال آن است. سفر اخیر رئیس‌جمهور چین به عربستان را باید متغییری از شرایط جدید بین‌المللی دانست. این رویداد را می‌توان دلیلی مضاعف بر تغییر در نظم سنتی نظام بین‌الملل تفسیر کرد. عربستان سعودی سال‌هاست که در حوزه‌های نظامی، حمل‌ونقل و توسعه زیرساخت‌های انرژی از کمک‌های چین بهره می‌برد و متعاقباً عربستان سعودی هم با حمایت از مواضع چین در قبال مسائلی منطقه‌ای و داخلی مانند تایوان و سین‌کیانگ، همچنین سرمایه‌گذاری‌ها در چین، به این حمایت‌ها پاسخ داده است.

اما نکته مهم در تقویت این روابط، مواضع اخیر عربستان سعودی در قبال آمریکا در بحث سیاست اوپک پلاس است. سعودی‌ها که با درخواست آمریکا مبنی بر افزایش تولید (در جهت تضعیف موقعیت روسیه در بازار انرژی) همراهی نکردند، به دنبال تنوع بخشی در صادرات خود هستند. از طرف دیگر، چین هم به‌عنوان بزرگترین واردکننده نفت در جهان در قبال عربستان سعودی، قصد دارد این شراکت را ادامه و تقویت کند. سفر اخیر شی جین‌پینگ به ریاض، بخشی از برنامه بزرگ اقتصادی چینی‌ها

تیم نگاه